

مطالعه تحلیلی و تطبیقی نقوش بز در سنگ نگاره های منطقه "شترسنگ" خراسان رضوی با نقوش مشابه در فلات ایران

چکیده

سنگ‌نگاره در ایران دارای پراکندگی‌های گسترده‌ای است که با نمونه‌های کشف شده در سایر نقاط دنیا دارای شباهتها و تفاوت‌های ظاهری و مفهومی قابل توجهی است. نقوش صخره‌ای موجود در منطقه "شترسنگ"، یکی از هزاران نمونه سنگ‌نگاره‌هایی است که در خراسان شکل گرفته‌اند، به جز زندگی مبتنی بر پایه دامداری و شکارگری انسان عصر پارینه سنگی است. نقوش بز جای مانده در این صخره‌ها مانند سایر سنگ‌نگاره‌های مناطق مختلف در برگیرنده نقوش جانورسان و نقوش انسان‌نما است که در بین نقوش هنر بدبیشترین نقش را نقش بزکوهی به خود اختصاص داده است. در بین نقوش موجود در سایت "شترسنگ" برخلاف پراکندگی هنر مبتنی بر نقوش صخره‌ای در سایر نقاط ایران، نقوش گیاهی، سمبلیک و انتزاعی بندرت مشاهده می‌شود. در بین نقوش جانورسان، نقش بزکوهی به عنوان یکی از مهم‌ترین جهات در تداوم زندگی بشر حاکی از اهمیت فراوان این موجود است که در نقوش صخره‌ای منطقه "شترسنگ" به وفور مشاهده می‌شود. بز، نماد آب، ماه، آبادانی، فراونی، حاصلخیزی و نماد زندگی است. هدف این پژوهش کیفی و شناخت سنگ‌نگاره‌های منطقه "شترسنگ" با تاکید بر نقش بزکوهی و وجود شباهتها و تفاوت‌های شاخص نقوش این منطقه در قیاس با نقوش متنوع سایر مناطق کشور است که تاکنون مورد پژوهش و مطالعه جدی پژوهشگران قرار نگرفته است. این پژوهش در پی پاسخی به این سوالات است: ۱. نقوش بزکوهی در سنگ‌نگاره‌های منطقه شترسنگ دارای چه ویژگی‌هایی است؟ ۲. به چه ساختار طراحی، اجرا و تنوع نقوش بزکوهی در منطقه مورد مطالعه این پژوهش چه شباهت‌ها و تفاوت‌های شاخصی با سایر نقوش سنگ‌نگاره‌های ایران، وجود دارد؟ جستار این پژوهش و به صورت توصیفی تحلیلی و با استفاده از ابزار جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای و میدانی انجام شده است. با توجه به ریخت‌شناسی سنگ‌نگاره‌ها و اسناد و مدارک موجود در ارتباط با نقش بز تقریباً در تمامی مراکز فرهنگی دوران پیش از تاریخ در ایران، می‌توان به این نتیجه اشاره کرد که نقش بزکوهی در محوطه "شترسنگ" نیز، اغلب به صورت استیلیزه و خلاصه شده بدون اشاره به هیچ گونه تزییناتی با استفاده از خطوط افقی برای طراحی بدن و چند خط مورب برای طراحی پاها، ترسیم شده است. همچنین، بزهای حکاکی شده در محوطه مورد پژوهش مانند اغلب نقوش سنگ‌نگاره‌های سایر نقاط ایران؛ به صورت نیمرخ با یک شاخ و یا دو شاخ با منحنی‌های کوتاه و یا بسیار بلند با عدم تناسب نسبت به بدن جانور، طراحی شده است. بزهای نیمرخ اغلب با دو پا طراحی شده‌اند و در محوطه نیز بزهایی با طراحی سه و چهار پا نیز مصور شده است. بین بزهای مناطق مختلف ایران، به جهت ریخت‌شناسی یا فرم و نیز محتوی و معنا یکسانی وجود دارد و شیوه حکاکی اغلب سنگ‌نگاره‌های ایران و نیز منطقه "شترسنگ"، به شیوه پتروگلیف است. باستان‌شناسان با گاه‌نگاری نسبی و تقریبی حکاکی و ترسیم سنگ‌نگاره‌ها در منطقه "شترسنگ" را به پارینه سنگی نسبت داده‌اند.

واژگان کلیدی: شترسنگ، سنگ‌نگاره، نقوش جانورسان، نقش بز، خراسان، فلات ایران

مقدمه

آنچه که امروزه تحت عنوان هنر صخره‌ای نامیده می‌شود یادگاری است از نقاشی‌ها، حکاکی‌ها و نقش برجسته‌های پر از رمز و رازهایی سمبولیک و شگفت‌انگیز بر سطح سنگ‌ها و صخره‌هایی که بیانگر پیشینه فرهنگی و تمدن مردمانی است که در مناطق مختلف زندگی کرده‌اند. نقوش این سنگ‌نگاره‌ها که امروزه در دسته آثار هنری از دوران پارینه‌سنگی تا عصر معاصر قرار گرفته‌اند نتیجه زندگی انسان‌ها و جوامع قبل از پیدایش خط است که با ظهور انسان هوشمند^۱ آغاز شد و پس از اختراع خط و نگارش، این نوع از تصاویر حضور کمرنگ‌تری در زندگی بشر پیدا کرده است. واکاوی این آثار، کمک شایانی به شناخت پیشینه فرهنگی مردمان آن مناطق و شناخت شرایط اقلیمی، فرهنگی و نحوه زندگی آنها خواهد داشت.

ایران با قدمت تاریخی خود در برگیرنده موزه‌های طبیعی است که در دل جای‌جای صخره‌های این کهن سرزمین، داستان تمدن‌هایی را در خود جای داده‌اند که در برگیرنده نقوش انسان‌نما^۲، جانورسان^۳، گیاهی، انتزاعی و سمبولیک است که دارای شباهت‌های ظاهری نمادین به یکسانی یا یکنواختی و پراکندگی‌های متفاوت در نقاط مختلف ایران است. نمایش گونه‌های جانوری متفاوت در میان سنگ‌نگاره‌های نقوش صخره‌ای بیانگر گونه‌های جانوری موجود در آن مناطق است که عموماً به شکل نمادین طراحی و حک شده‌اند و بیانگر ارزش، اهمیت و جایگاه ویژه این جانوران در زندگی انسان آن دوران است که زندگی او مبتنی بر شکار، دامداری و شکار این حیوانات و دست یافتن به راهی برای اهلی کردن این جانوران است. نحوه طراحی نقوش این جانوران شباهت بسیار زیادی دارد بر نقوش جانوری سفال‌های پیش از تاریخ که خود بیانگر تاثیرات فرهنگ‌های کوچرو و یکجانشینی است که در نقاط مختلف ایران ساکن بوده‌اند. محوطه مورد مطالعه این پژوهش "شترسنگ"، مانند اغلب نقاط ایران دارای نقوش صخره‌ای منحصراً بفردی است با پراکندگی متفاوت بر روی تخته‌سنگ‌هایی منحنی شکل با ترکیبات عنصر آهن و نقوش صخره‌ای انتزاعی سمبولیک از نوع پیترولیف^۴ بیشترین نقوش قابل مشاهده در تخته‌سنگ اصلی موجود در منطقه و نیز بر روی سطح سنگ‌های پراکنده در محوطه، نقوش جانورسان به شکل بز، گاو، گوسفند، شتر، گوزن، گاوآهن، گاو، اسب، احتمالاً سوار بر شیر، اسب، یا انسان در حال شکار نیز در این نقش‌ها قابل مشاهده است. وجود این نقوش نشان از دیرینگی سکونت انسان در این محوطه دارد.

هدف اصلی این پژوهش، معرفی و شناخت سنگ‌نگاره‌های محوطه "شترسنگ" (درخت بید) و وجود شباهت‌ها و تفاوت‌های شاخص نقوش جانورسان (بزکوهی) این منطقه در مقایسه با نقوش متنوع این جانور در مناطق ایران است. این پژوهش در پی پاسخ دادن به این سوالات است: ۱. نقوش بزکوهی در سنگ‌نگاره‌های منطقه شترسنگ چه ویژگی‌هایی است؟ ۲. بین ساختار طراحی، اجرا و تنوع نقوش بزکوهی در منطقه مورد مطالعه این پژوهش چه شباهت‌ها و تفاوت‌های شاخصی با سایر نقوش سنگ‌نگاره‌های ایران، وجود دارد؟

روش تحقیق

جستار پیش رو به صورت توصیفی-تحلیلی و با ابزار جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای و میدانی انجام شده است. در روش میدانی پس از شناسایی محوطه "شترسنگ" یا "درخت بید" به صورت پیمایشی در هفته اول نیمه شهریور ماه ۱۳۹۸، شش نفر از دانشجویان با توجه به پراکندگی نقوش موجود در تخته‌سنگ‌های محوطه شناسایی شده، فریم‌های بسیاری از پراکندگی این نقوش را به صورت مجموعه نقوش و یا تک تصویر عکاسی کرده است. با توجه به تعداد زیاد تصاویر و شباهت ساختار ظاهری و نوع طراحی و حکاکی این نقوش و نیز به علت خوانا نبودن کامل نقوش در منطقه به جهت آسیب‌های جدی انسانی و فرسایش جوی، تعداد معدودی از تصاویر صرفاً جهت نمونه در این پژوهش ارائه شده است. برای مشخص شدن بهتر ساختار طراحی نقوش ارائه شده و

1. انسان هوشمند.

2. (رشیدی نژاد و زمانیان، ۱۳۸۸:۹۱) Anthropomorphic.

3. (رشیدی نژاد و زمانیان، ۱۳۸۸:۹۱) Zoomorphic.

4. نوعی حکاکی بر اثر ضربه‌های کوبشی منظم و دقیق بر روی سنگ ایجاد می‌شود petroglyphs.

قابلیت تطبیق بیشتر، طراحی خطی نقوش با استفاده از برنامه Corel Draw نیز استخراج شده است. تصاویر عکاسی شده از جهت تکنیک و ساختار طراحی نقوش مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته اند و داده های محقق با یافته های نقوش مشابه سایر پژوهشگران در برخی از محوطه های تاریخی ایران مورد مقایسه و تطبیق قرار گرفته است. به طور تقریبی حدود ۸۰ سنگ نگاره در منطقه "شتر سنگ" موجود است که جامعه آماری این پژوهش را نقوش بزکوهی موجود در منطقه مورد پژوهش و پراکندگی این نقش در سایر ایران مانند مناطق "اسبخته یزد" با ۱۷ صخره نگاره، سنگ نگاره های "جربت" در استان خراسان رضوی با حدود ۱۰۰۰ سنگ نگاره، "دره نگاران" در سراوان با حدود ۱۷ نقش مجزا، تپه "شاه فیروزجان" در استان کرمان، سنگ نگاره های استان خراسان جنوبی منطقه "لاخ مزار" با حدود ۳۰۷ سنگ نگاره، سنگ نگاره های "آسو" با ۵۱ نقش و سنگ نگاره های منطقه "ارگس سفلی" از بخش زند شهرستان ملایر با مجموع ۹۴ سنگ نگاره، را در بر گرفته است. روش تجزیه و تحلیل داده ها به صورت کمی و کیفی انجام شده است. علاوه بر این، ساختار طراحی و تنوع در اجرای نقوش سنگ نگاره در مناطق مختلف ایران و منطقه "شتر سنگ"، مورد بررسی قرار گرفته است و در جدول های ارائه شده تطبیقی، نقوش مورد ارزیابی و تحلیل کیفی قرار گرفته است. در انتها بر اساس نتایج محقق و مقایسه های انجام شده بر روی نقوش مشابه ارائه شده در تحقیقات سایر پژوهشگران در حیطه هنر سنگ نگاره، بررسی نقوش حیوانی بزکوهی با نقوش بزکوهی بر جای مانده از برخی ظروف و مجسمه در ایران نیز، مورد مقایسه قرار گرفته است.

پیشینه تحقیق

در پژوهشی تحت عنوان "بررسی و مطالعه سنگ نگاره های نویافته ابدش تپه توس" در شماره یک دوره اول فصلنامه علمی پژوهشی خراسان بزرگ، محمود بختیار شهری (۱۳۸۸)، در مجله مطالعات باستانشناسی، در پاراگرافی و نیز بخشی از جدول ارائه شده در پژوهش خود بصورت خلاصه به تعداد تقریبی نقوش موجود در سنگ نگاره های "شتر سنگ" به صورت مستقیم اشاره کرده است. اگرچه اداره میراث فرهنگی مشهد استان و اطلاعات ثبت شده معیبدی توسط کارشناس مربوطه انجام شده است را در اختیار دارد؛ علی رغم پیگیری های مکرر محقق، حاضر به همکاری و در اختیار گذاشتن اطلاعات لازم نشده است. عدم دسترسی به داده های باستانشناسی منطقه، پژوهش بر آن داشته است تا صرفاً متمرکز شود بر نقوش جانورسان (بزکوهی) سنگ نگاره ها؛ که متأسفانه با تصاویر ناشیانه و غیر حرفه ای انسان معاصر آمیخته شده و بشدت در معرض آسیب قرار گرفته است.

طبق آنچه در پژوهش ها به آن اشاره شده است، اولین پژوهش در ارتباط با نقوش سنگ نگاره های ابدش تپه، توسط گروهی از زمین شناسان ایتالیایی در (۱۹۵۸) در منطقه "گزن" در سیستان و بلوچستان ایران انجام شده است (بیک محمدی و جانجان، ۱۳۹۱: ۱۲۲). اما پژوهش ها در ارتباط با سنگ نگاره ها و یا صخره نگاره های خراسان که با اهداف پژوهش پیشین در ارتباط بیشتری است برای اولین بار توسط جمال رضایی و صادق کیا (۱۳۳۰)، در گزارشی با عنوان "مطالعات باستانشناسی سنگ نگاره ها در خراسان جنوبی" توسط انجمن ایرانویج، انجام شده است که باعث خوانش کتیبه های اشکانی این منطقه نیز شده است. اما جامع ترین طرح پژوهشی در قالب گزارشی منتشر نشده با عنوان "بررسی و مطالعه باستانشناسی و انسان شناختی نقوش خنجره ای (سنگ نگاره های استان خراسان جنوبی)" در آرشيو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان خراسان جنوبی توسط حمید رضا قربانی (۱۳۹۲)، صورت گرفته است که منجر به شناسایی و رمزگشایی ۲۰ نوع از سنگ نگاره های این استان شده است. در مقاله "تحلیل سنگ نگاره های محدوده تاریخی خراسان بزرگ، در استان خراسان جنوبی"، فصلنامه علمی پژوهشی خراسان بزرگ در شماره شش از دوره ۲۱، حمیدرضا قربانی، سارا صادقی و حسن هاشمی زرج آباد (۱۳۹۴)، به تفصیل ۷۴۹ نقش نگاره را در ۲۰ منطقه در استان خراسان جنوبی واکاوی کرده اند. آنها در پژوهش خود نقوش موجود در این مناطق را در اشکال انسانی، حیوانی و نقوش انتزاعی از جهت مفاهیم و شرح عمومی نقوش مورد بررسی قرار داده اند و گاه نگاری محوطه های مورد پژوهش خود را به سه دوره پیش از تاریخ، تاریخی و اسلامی تقسیم کرده اند. در کتاب "سنگ نگاره های شرق مرکزی ایران"، حمید رضا قربانی و سارا صادقی (۱۳۹۵)، به تفصیل به واکاوی و دسته بندی نقوش مختلف صخره ای موجود در منطقه شرق

خراسان که منطقه ای است با فراوانی نقوش صخره ای متنوع، پرداخته اند. پژوهشگران فصل سوم کتاب را به بررسی و سیر تحول نقش بزکوهی در منطقه مورد پژوهش خود اختصاص داده اند. محققان همچنین در این بخش از مطالعات خود به مقایسه نقش بزکوهی با نقوش سفال ها، ظروف سیمین عصر ساسانی و ... پرداخته اند که بخشی از اطلاعات این کتاب مطالب ارزنده ای را در راستای موضوع مورد پژوهش این مقاله با تاکید بر "نقش بزکوهی"، در اختیار پژوهشگر قرار داده است.

مسعود رشیدی نژاد و مهدی زمانیان (۱۳۸۸)، در پژوهش خود "بررسی سنگ‌نگاره های نویافته مزرعه حاج مد و دره مراد بیک همدان" در نشریه پیام باستان شناسی، شماره شش از دوره یازدهم، نگاره های انسان نما را در "دره مراد بیک" به پنج نمونه و نگاره های جانوران به ۳۶ نمونه که در برگیرنده جانوران مختلفی است، تقسیم کرده اند. همچنین در این پژوهش به معرفی دو نمونه سنگ‌نگاره به روش پدیدارشناسی و باستان‌شناسی و امروزی نیز اشاره شده است. پژوهشگران، در نتایج خود نقوش موجود در سنگ‌نگاره های مناطق مورد مطالعه خود را به سه دسته انسان نما، جانورسان و سمبلیک تقسیم کرده است. پژوهش گسترده مرتضی فرهادی (۱۳۷۷)، با عنوان "موروثی در باد: معرفی مجموعه عظیم سنگ‌نگاره های نویافته تیمره"، فصلنامه علمی پژوهشی علوم اجتماعی، شماره هفتم و هشتم، سبب یکی از غنی ترین پژوهش هایی است که به موضوع سنگ‌نگاره های ما قبل تاریخ در ایران می‌پردازد. فرهادی، در پژوهش خود به تنبیه به اشکال و نمادهای مختلفی که در سنگ‌نگاره های "تیمره" وجود دارد، پرداخته است و برخی از آنها را با نمونه های موجود در کشورهای دیگر مقایسه کرده است. محقق در بخشی از پژوهش خود به بررسی نقش بزکوهی خضر (کل) اشاره می‌کند. یکی از منابع اصلی شکار در آن منطقه بوده است و با پژوهش پیش رو همسو است.

مبانی نظری پژوهش

- تاریخچه هنر صخره ای (سنگ نگاری)

آنچه را که امروزه هنر صخره ای نامیده اند، نمونه هایی از هنر انسان است که هنوز موفق به کشف خط نشده است. با حضور انسان هوشمند، بر بدنه صخره ها که شکارگاه صخره ها بهترین و اولین تکبیه "بی مناسبی است برای خلق آثار انسان آن روزگار، هنر صخره ای آغاز شد. این نوع خاص از هنر شکل گیری ارتباطات و اختراع خط حضور کم رنگ تری پیدا کرد و رفته رفته به فراموشی سپرده شد (قربانی و همکاران، ۱۴: ۸۱). نقوش صخره ای تصاویر حاوی پیرایه روایت هایی است که بخش تاریک زندگی انسان عصر پارینه سنگی تا دوران معاصر را با مطالعات باستانشناسی، مردم شناسی، انسان شناسی، زیست شناسی، جامعه شناسی و غیره برای ما روشن خواهد کرد. خاستگاه و زادگاه اولین نمونه های بدست آمده از هنر صخره ای را می توان قاره اروپا، خصوصا آثار بدست آمده از غارهای مرز بین اسپانیا و فرانسه دانست. با وجود اینکه نقوش صخره ای بسیاری در مناطق مختلفی از جهان مانند ایتالیا، هند، آرژانتین، سوئد، کلمبیا، شیلی، پرو، نیجریه و نقاط دیگری در دنیا، می توان مشاهده کرد. در قسمت های کوهستان های شرقی، مرکزی، جنوب و غرب ایران نیز گنجینه های عظیمی از آثار صخره ای، قابل مشاهده است که در برگرفته نقوش انسانی، حیوانی، گیاهی و انتزاعی است (همان، ۵۸-۵۹). نکته قابل توجه در ارتباط با نقوش هنر صخره ای این است که این نقوش با توجه به پراکندگی های گسترده ای که در نقاط مختلف جهان و ایران دارند از جهت ریخت شناسی نیز محتوی و معنا دارای شباهت های یکسانی است (ملصالحی، سعیدپور، مومنی و بهرامزاده، ۱۳۸۶: ۳۵). در دسته بندی نقوش صخره ای طبق نظر محققان سه گونه نقوش و نگارینه های صخره ای وجود دارند که به "پتروگلیف" یا کنده کاری، "پیکتوگراف"^۵ یا رنگین نگاره و نیز "ژئوگلیف"^۶ دسته بندی می شوند. اما در بین دو گونه اول نامبرده شده که بیشتر در ایران قابل مشاهده است، نقوش صخره ای ایران بطور عمده در قالب نقوش پتروگلیف قرار می گیرند (همان: ۵۹). همچنین، نقوش صخره ای مورد مطالعه این پژوهش در منطقه "شتر سنگ" در خراسان رضوی نیز جز نقوش "پتروگلیف" قرار دارند که عموماً با ابزاری نوک تیز به عمق ۲ تا ۳ میلی متر بر روی سنگ کندکاری و خراشیده شده اند.

5. Pictograph: رنگین نگاره یا نقاشی صخره ای

6. Geoglyph: خطوط و نقوشی است که گاه در ابعاد بسیار بزرگ در مناطقی مانند پرو ترسیم شده اند مانند نقوش برجای مانده از نازکاها و ایکاها و ...

ویژگی ها و موقعیت جغرافیایی برخی از سنگ نگاره های مناطق مختلف ایران

سنگ‌نگاره ها یکی از قدیمی ترین نقوش برجای مانده از دوره های مختلف تاریخی است که دارای پراکندگی های متفاوتی در نقاط مختلف ایران و جهان است. کشور ایران از نظر فراوانی هنر صخره‌ای، خصوصا سنگ‌نگاره بسیار ثروتمند است و دارای مجموعه های ارزشمندی است با نقوشی با پراکندگی های متنوع در اغلب مناطق ایران مانند مناطق شمال غرب، مناطق مرکزی ایران، مناطق جنوبی (جنوب شرقی و شرق میانی) و... که در برخی از نقاط ایران هنوز سنگ‌نگاره هایی بسیاری وجود دارند که شناسایی نشده اند و در انتظار جستجوی پژوهشگران علاقمند به این حیطه است. به صورت کلی تمامی سنگ‌نگاره‌های جهان معمولاً به دو دسته کتبه نگاره و رنگین نگاره ایجاد شده اند که هر دو نمونه در بین صخره نگاره‌های ایران قابل مشاهده است. اما بر طبق بررسی های پژوهشگران اغلب سنگ نگاره‌های ایران به شیوه کنده نگاره ترسیم شده اند که از جهت کمیت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند (م. انرولندانی، ۱۳۹۲: ۲). به جهت قدمت تاریخی می توان به این نکته اشاره کرد که منطقه کوهدشت لرستان در برگیرنده اولین سنگ‌نگاره های بدست آمده در ایران است که دارای قدمتی بین حدود ۶۰۰۰ تا ۸۰۰۰ است (فرهانی، ۱۳۷۷: ۱۵). در ادامه مطالعه این بخش به نقوش موجود بر سنگ‌نگاره های برخی از مناطق ایران اشاره شده است و نقش پراکندگی جغرافیایی سنگ نگاره های مناطق اشاره شده به تفکیک در جدول شماره یک، ارائه شده است.

در منطقه کوهستانی در فاصله ۲۰۰ متری جنوب شرقی روستای /رگس سفلی از توابع بخش زند شهرستان ملایر در استان همدان سنگ‌نگاره‌هایی در دو مجموعه A در بخش جنوب غربی یا ۳۷ نگاره و مجموعه B در بخش غربی با یک مجموعه منسجم حدود ۵۷ نگاره، قابل مشاهده است. سنگ‌نگاره های این محوطه در مجموعه هندسی، انسانی و جانوری دسته بندی شده اند. در میان نقوش سنگ‌نگاره های /رگس سفلی"، تعداد محدود و مادیایی نقوش هندسی نیز قابل مشاهده است. در حالی که تعداد قابل توجهی از نقوش موجود در منطقه اختصاص دارد به نقوش جانوری مانند نقش بز (در حالت ها و با طراحی مختلف)، اسب و خانواده سگ سانان و نقوش مان در حال شکار، سوار بر اسب و انسان هایی پیاده با کمان و نیزه؛ به دور از هرگونه نوشتار و علائم نگارشی. نقوش این سنگ نگاره ها به شیوه کوبه ای بر روی سطح مسطح یا کمی محدب یا چینه‌ای صورت گرفته است. نقش بزکوهی نسبت به سایر نقوش از جهت کمی بیشترین تعداد را با فراوانی زیاد و با پراکنش در محوطه /رگس سفلی خود اختصاص داده است. در ارتباط با ساختار طراحی این جانور باید به این نکته اشاره کرد که بزها دارای شاخ های کمانی و نسبتاً بزرگ و در اندازه واقعی و بدون تناسب نسبت به بدن و نیز شاخ هایی هلالی شکل که تا نزدیک دم جانور ادامه دارد، طراحی شده اند. سنگ نگاره ها عموماً به صورت دوتایی و در اکثر موارد با استفاده از قانون پرسپکتیو ترسیم شده اند. علاوه بر این، ترسیم حیوانات از جمله بزکوهی به صورت نیم رخ و به دور از حالت سه بعدی از دیگر ویژگی های سنگ نگاره های این محوطه است. اکثر حیوانات از جمله بزها کمتر تحرک به صورت ساکن طراحی شده اند. از جهت تاریخی با مقایسه سنگ نگاره های این محوطه به جهت ریخت شناسی با نمونه های سنگ نگاره های شناسایی شده در منطقه همدان و نیز در مقایسه با سایر نقاط ایران، به جهت سبک حکاکی و ریخت شناسی نگاره‌هایی که از هزاره چهارم به دلیل تعاملات فرهنگی گسترده بر جای مانده است؛ با رعایت احتیاط قدمت سنگ نگاره های دو محوطه A و B محوطه /رگس را می توان به دوان تاریخی عصر اشکانی و بعد از آن نسبت داد (بیک محمدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۸-۱۳۱).

در نه کیلومتری غرب روستای جربت در محدوده شهرستان جاجرم، در قسمت شمال شرق کشور یکی از مناطق مهم صخره ای ایران و منطقه جغرافیایی خراسان شمالی وجود دارد. در محوطه ای به طول بیش از ۵۰۰ متر، تعداد حدود ۱۰۰ قطعه سنگ که به طور تقریبی در برگیرنده حدود هزار سنگ‌نگاره قابل شناسایی است، پراکنده شده اند. نقوش سنگ نگاره های این محوطه بر طبق یافته های پژوهش مردانی و لندانی (۱۳۹۲)، شامل پنج دسته جانورسان، انسان نما (به همراه ابزار و وسایل شکار)، هندسی، انتزاعی و نقوش کتیبه ای است. در مجموعه سنگ‌نگاره های "جربت"، مانند اغلب سنگ‌نگاره های مناطق مختلف ایران، نقوش جانورسان مانند بزکوهی، بیشترین حجم سنگ نگاره ها را به خود اختصاص داده است. همچنین پژوهشگر به این نکته اشاره کرده است که در این محوطه بزهای کوهی با ابعاد و ساختار طراحی متفاوت قابل شناسایی است که اغلب بزها با شاخ هایی بسیار بلند

با اغراق در نسبت بین شاخ و بدن جانور طراحی شده است. وجود نقوش حیوانات اهلی و نیز وجود نقش سگ نشان از ویژگی زندگی دامداری و چوبانی است؛ علاوه بر این، نقوش بر جای مانده از ابزار آلات شکار مانند تیر و نیزه، شمشیر، کمان و حتی تفنگ یکی از دلایل زندگی مبتنی بر شکار در محوطه مورد پژوهش را نشان می دهد. نقوش ایجاد شده به شیوه کوبشی و در مواردی با تکنیک خراش بر سطح سنگ، ایجاد شده است. به جهت گاه نگاری نقوش بر جای مانده در سایت "جربت" در طول دوره زمانی متوالی، از عصر مفرغ جدید تا دوران اسلامی را شامل شده است (۲-۸).

سنگ‌نگاره های بدست آمده از قسمت های غربی "تپه شاه فیروز" کرمان که تپه ای است سنگی در میانه دشتی بین تپه‌ها و کوه های جنوب شرقی شهرستان سیرجان و کوه‌های شمال شرقی؛ یکی از کهن ترین آثار فرهنگی و هنری بدست آمده در استان کرمان است که از گاه تاریخی و هنری حائز اهمیت است. نقش بزکوهی و درخت سرو در کنار یکدیگر علاوه بر اینکه بر سنگ نگاره های "تپه شاه فیروز" می توان مشاهده کرد، بر نقوش سنگ های صابونی باقی مانده از تمدن جیرفت نیز، نقش بسته است. تابه افکار و اشتراکات فرهنگ مختلف و باورها یکی از دلایل تشابه نقوش موجود در این منطقه در دوران های مختلف است. انسان آن عصر با به تصویر کشیدن نقش بزکوهی که بیشترین نقوش حیوانی موجود در محوطه را به خود اختصاص داده است و نیز وجود درخت در بین سایر نقوش گوناگونی موجود در سنگ‌نگاره ها، اهمیت و فراوانی این نقوش را در ارتباط با زندگی بشر آن دوران مطرح کرده است. نقوش موجود در منطقه نشانی است از طبیعت حاکم بر منطقه و محیط پیرامون زندگی انسان آن دوران که تاثیر بسیار زیادی از نحوه تفکر خالق آن نقوش داشته است و نیز نشانی است از اهمیت و وجود زیست گاه مناسب این جانوران در منطقه هلیل رود. جهت تقلیم گرمسیری و رطوبت موجود در منطقه جیرفت علاوه بر نقش بزکوهی، شتر، اسب و خانواده سگ سانان، نقش جانورانی گوناگون، مار در بین نقوش بر جای مانده قابل مشاهده است. نقش بزهای مصور شده به صورتی انتزاعی، با بدنی کشیده به صورت حسی و گاه بدن این جانور به صورت توپالی با طراحی محیطی، شاخ هایی با ابعاد متفاوت و به صورت تکی و دوتایی، منحنی و خنثی شده به سمت عقب، به همراه دو و یا چهار پا (دو پا در قسمت عقب و دو پا در قسمت جلوی بدن جانور و گاه نمایش چهار پا در طول بدن) و بدنی با تحرک کم، مصور شده است. در ارتباط با گاه شماری نقوش سنگ‌نگاره های این محوطه به این نکته می توان اشاره کرد که کهن ترین نقوش موجود در منطقه زمانی است از عصر کمانداری و شکار که با اهمیت تدریجی کشاورزی در زندگی انسان آن عصر، نقوش گیاهی نیز در بین سنگ‌نگاره ها به تدریج متداول شده است (صفاران و کامرانی نژاد سیرجانی، ۱۴: ۱۳۹۷-۱۶).

در منطقه پشتکوه در جنوب غربی استان یزد در روستای شواز، مزرعه ای با نام "اسبخته" یا "سبخته" وجود دارد. در مزرعه "اسبخته" مجموعه ای از سنگ‌نگاره بر روی سطح ۱۷ صخره دارای پراکندگی است که شامل نقوش جانورسان، انسان نما، نقوشی مثل دایره، ضربدر، صلیب، گردونه مهر، سه زانویی چرخان، نقوش فنجان و نقوش انتزاعی است. نکته قابل توجه در سنگ‌نگاره های این منطقه (صخره شماره هشت) وجود خط کوفی ساده، خط نسخ و خط کوفی بنایی در کنار نقوش بسیار قدیمی تر و باستانی است. شیوه اجرایی نقوش موجود در محوطه "اسبخته" به شیوه حکاکی توپر و در مواردی به صورت مبطوع به شکل استیلیزه با خطوطی بسیار ساده و به شیوه انتزاعی به تصویر در آمده است. در بین نقوش موجود در محوطه، با پراکندگی متفاوت بر روی صخره های موجود، بزکوهی بیشترین نقوش حک شده را به خود اختصاص داده است. وجود تفاوت رنگی قابل مشاهده در بین سنگ‌نگاره های اسبخته، نشان از حکاکی این نقوش در فاصله زمانی متفاوت است. برخی نقوش بسیار قدیمی تر بر اثر فرسودگی، اکسید شدن و هوازدگی بشدت آسیب دیده و به راحتی قابل خوانش نیست. در کنار نقوش قدیمی تر نقوش مربوط به دوران اسلامی و حتی معاصر نیز به تصویر در آمده است. بر اساس نقوش مختلف موجود در محوطه و ریشه یابی نقوش بر طبق اسناد تاریخی موجود مانند وجود ابزار آلات شکار و یا اشاره به زمان اهلی شدن حیوانی مانند بزکوهی، محقق تاریخ تقریبی این نقوش را به حدود ۹۵۰۰ تا ۸۰۰۰ سال قبل از میلاد برای نقوش تیره تر و هزار اول پیش از میلاد را تاریخ تقریبی نقوش جدیدتر تخمین زده است. همچنین در بین نقوش سنگ نگاره های محوطه "اسبخته"، نقوشی مربوط به آیین مهرپرستی و نیز در کنار نقوش بسیار قدیمی تر، دو کتیبه تاریخدار مربوطه به قرن هشتم هجری نیز مصور شده است (آیتی زاده، ۱۳۹۳: ۸۷-۸۰).

در "دره نگاران" در فاصله ۳۶ کیلومتری شمال غربی دهستان ناهوک و حدود ۷۰ کیلومتری شهرستان سراوان و در رشته کوه های سیاهان، در بین دره های پر آب و با صفا در انتهای دشت آبرفتی ناهوک، مجموعه ای از سنگ نگاره های بی نظیر و سمبولیک با حدود ۱۷۰ نقش مجزا در قسمت جنوبی دره ناهوک با استفاده از متریال ها و کانی های رنگی طبیعی مانند منیزیم، یا اکسید آهن که با طیفی از رنگ های قهوه ای تیره تا سیاه نقاشی شده است، شناسایی شده است. ویژگی قابل اهمیت سنگ نگاره های منطقه "ناهوک" در تجمع بیش از هزار نقش مصور شده در محدوده کوچکی از این دره سرسبز است که این سنگ نگاره ها را می توان به عنوان بزرگترین مجموعه شناخته شده در ایران با قدمتی ۱۰ هزار ساله و مربوط به عصر پارینه سنگی (هزاره اولی. م.) دانست که در سال ۱۳۸۲ کشف شده است. باستانشناسان، نقوش موجود در "دره نگاران" را که اغلب شامل نقش های انسانی و حیوانی است را به جهت تاریخی سه دوره قدیم، میانه و جدید دسته بندی کرده اند. ویژگی منحصر به فرد نقوش این منطقه که بیشتر انسان هایی (با لباس و یا بدون لباس؛ همچنین انسان بالدار شبیه عقاب) در حال جنگ و سوار بر حیواناتی چون اسب، گاو کوهاندار یا حیوانات دیگر است، نشان از مهاجرت در اول هزاره قبل از میلاد به این سرزمین است. غیر از نقوش انسانی نقوش جانوران چون بزکوهی، قوچ، جیرگ، کوهاندار، شتر دوکوهان، گاو میش، سگ، روباه، گورخر ایرانی (الاغ وحشی)، مار، پلنگ، یوزک، گاو، بزکوهی، حیوانی شبیه موجه خوار، نقوش انتزاعی مانند نقوش فنجانی، تعداد محدودی نقوش گیاهی و نقش صلیب شکسته نیز در این منطقه موجود است. در میان نقوش حیوانی موجود در محوطه "دره نگاران" که مانند سایر سنگ نگاره های مختلف دیگر ایران و خاور میانه، بیشترین نقوش را به خود اختصاص داده است، نقش بزکوهی بیش از سایر نقوش جانوران است. اندازه نقوش حیوانی حک شده در "دره نگاران" حدود ۱۵ تا ۲۰ سانتی متر است. قدمت کهنترین نقوش موجود در منطقه را به حدود هزاره های چهارم تا هشتم ق.م نسبت داده اند در حالی که اغلب نقوش متعلق به دوره میانه حدود ۱۰۰۰ تا ۱۸۰۰ سال ق.م است (بزی و حاتم، ۱۳۹۲، ص ۹-۷).

استان خراسان جنوبی به عنوان دارا بودن با فرهنگ غنی دارای آثار و نشانه های فرهنگی متفاوتی است. نقوش صخره ای (سنگی) بر جای مانده در بخش های مختلف استان برای پراکندگی متفاوتی در مناطقی مانند سنگ نگاره های "آسو" (بخش مرکزی بیرجند) با ۵۱ نقش حیوانی، انسان نما، نماد و ابزار آلات، "لاخ مزار" که مهم ترین مراکز تمدن بشر (جنوب شرقی بیرجند) با کتیبه هایی مربوط به عصر ساسانی، اشکانی، دوران پیش از تاریخ تا عصر معاصر) با مباحث نقوش و کتیبه های شناسایی شده در منطقه با ۳۰۷ مورد، سنگ نگاره های "رامنگان" (بخش مرکزی شهرستان سریشه)، سنگ نگاره های "اسد آباد" (در ۵ کیلومتر پنج جاده اسدی به طبس)، سنگ نگاره "تنگه پنجه شیر" (توابه شهرستان نهبندان) و سنگ نگاره "دره نگاران" (بخش شوسف شهرستان نهبندان)، است. نقش مایه های برجای مانده از شش محوطه نام برده شده شامل نقوش انسان نما، جانورسان، هندسی یا نمادین، گیاهی، نقوش ابزار آلات مختلف مانند تیر و کمان، کتیبه های برجای مانده از عصر ساسانی و اشکانی و نیز خطاط تصویری، است. عمده نقوش بر جای مانده از صخره "لاخ مزار" شامل نقوش حیوانی است که طبق برداشت های باستانشناسان به دو دسته پستانداران (شیر، قوچ، بزکوهی، گاو و...) و پرندگان (طاووس، کبوتر و نامشخص) تقسیم شده اند. در ارتباط با تطبیق نقوش جانورنما در محوطه لاخ مزار با نقوش پنج محوطه اشاره شده در استان خراسان جنوبی می توان به وجود حیواناتی مانند شیر، اسب، گاو، بزکوهی، سگ، گوزن و برخی از نقوش حیوانی دیگر که به راحتی قابل شناسایی نیستند، اشاره کرد. نقوش اجرا شده در سایر مناطق استان خراسان جنوبی به شیوه کوبشی یا کنده نگاره، با وارد کردن ضربه های ممتد و یا با ایجاد خراش بر روی سطح سنگ، حک شده است. نقش بزکوهی که بیشترین نقوش حیوانی را در بین سنگ نگاره های استان خراسان جنوبی به خود اختصاص داده است به دو روش، استلیزه با طراحی بدن جانور به صورت یک خط افقی و نمایش اعضا بدن با خط های مورب و در طراحی برخی از نقوش از روش واقع گرایانه با نمایش جزییات، استفاده شده است. نقوش بز در محوطه های اشاره شده دارای تنوع ساختار طراحی و شیوه حکاکی است. تاریخ تقریبی نقوش موجود در شش منطقه مورد پژوهش با رعایت احتیاط مربوط به عصر آهن تا عصر اشکانی، است (صادقی و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۷-۶۵). در ادامه مطالب اشاره شده، در تصویر شماره ۱، نقشه پراکندگی

سنگ‌نگاره های شناسایی شده در برخی از مناطق مختلف ایران، همچنین جدول مقایسه ای تصویر نقش بزکوهی در برخی از نقاط ایران نیز در جدول شماره ۱، ارائه شده است.
 جدول شماره ۱. ویژگی های نقش بز در برخی مناطق مختلف ایران، مأخذ: نگارنده.

ویژگی های نقش بز در مناطق مختلف ایران				
نقوش	سنگ نگاره	محوطه	سنگ نگاره	نقوش
		نقش بز با طراحی متفاوت شاخ، منطقه ارگس سفلی B، ملایر-ان، (بیک مدن، جانجان؛ بیک محمد). (۱۳۹۱).		نقش بز، منطقه کمر مقبولا، خراسان رضوی (نگارنده). (۱۳۹۸).
				نقش بز کوهی، میمند کرمان (نادعلیان). (۱۳۸۶).
				نقش بز کوهی و نیز صحنه شکار دسته جمعی در دره نگاران در ناهوک (بلباسی، ۱۳۹۸).
		نقوش انسانی و بز در سنگ نگاره های ارسباران (محمدی قصریان، ۱۳۹۴).		نقش بز کوهی و درخت سرو، صخره نگاره تپه فیروز جان، چیرفت (صفاران و همکار، ۱۳۹۷).
		نقوش حیوانی با تمرکز بر نقش بز، محوطه نخلستان، بیرجند (قربانی، ۱۳۹۲).		نقش بز در سنگ نگاره های قروه، کردستان (محمدی قصریان، ۱۳۹۴).
		نقش بز، منطقه بیژانم، بیرجند، خراسان جنوبی (قربانی، ۱۳۹۲).	7 	نقش بز در سنگ نگاره های مدی، مشکین شهر (۱۳۹۷).

بزکوهی با توجه به اسناد و مدارک تاریخی از قدیمی ترین نمادهای شناخته شده در تاریخ بشر است که در ایران باستان، از اوایل عصر نوسنگی تا امروز در قالب های متفاوتی مانند مجسمه های بر جای مانده از پناهگاه های عصر نوسنگی (سراب، گنج دره و...)، نقاشی بر روی ظروف سفالی (ظروف بر جای مانده از تپه سیلک، شوش، اسماعیل آباد و ...)، بصورت کنده کاری بر روی ظروف و یا بر روی صخره ها و ... قابل مشاهده است.

این حیوان روزگاری به عنوان تجسم باروری انسانها پرستیده می شده است و با خدای حاصلخیزی سومری به نام تموز، یکسان شناخته شده است. بز، در اساطیر هندویی به عنوان یک حیوان ویژه قربانی و خدای آتش هندوان بوده است. در اساطیر یونانی، بز به عنوان حیوانی مقدس ای زیوس / ژوپیتر بوده است. در هنر عیسوی، بز نماینده لعنت شدگان در آخرین داوری (رستاخیز) است (آقاعباسی، ۱۸۴: ۱۸۵). قدیمی ترین تصویری که از بز تا کنون در جهان شناخته شده است، تصویری است که در دیواره های غارهای عصر پارینه سنگی جدید در اروپا بین سال های (۱۲۰۰۰ تا ۳۵۰۰۰ ق. م)، بصورت حکاکی، نقش برجسته و نقاشی ارائه شده است. این صخره ها در حالی است که قدیمی ترین تصویری که از بز در ایران به دست آمده است مربوط به آغاز عصر نوسنگی جدید است که از اواخر این عصر، نقش این حیوان به صورت سمبولیک و غیر واقع گرایانه و انتزاعی در ابتدا بر روی سفال و سپس بر روی صخره ها مصور شده است. در ارتباط با اهمیت و نقش بز در اساطیر ایران می توان به این نکته اشاره کرد که بز ماد آب است، آب خود بیانگر آبادانی زندگی و محل مناسبی برای استقرار بشر در مناطقی است که این مایه حیات به وفور در آن مسیر در جریان است. علاوه بر این، همچنان در ظرف ها و مهرهای دوره ساسانی مشاهده می شود، بز نمادی است از ماه و در اغلب موارد به شکل نگینان درخت ماه از آن یاد می شود (ریانی و همکار، ۱۳۹۵: ۸۷). نقش بز، به عنوان نمادی سمبولیک در ارتباط با نیروی زندگی باروری در سایر دوره های درختانی هنر ایرانی از دیر باز تا کنون بکار رفته است، اما در عصر هخامنشی این نقش سیر تحول و تحول خود را از جهت ساختار طراحی و تنوع، به زیباترین شکل طی کرده است. نه تنها این نقش در دوران های پیش از تاریخ ما مصور شدن بر روی صخره ها - کایت از نقش مهم این حیوان سمبولیک در زندگی بشر دارد، بلکه تکرار نقش بز را بر روی بسیاری از ظروف سفالی کشف شده در منطقه شوش، سیلک و نیز برخی نقاط مختلف ایران می توان مشاهده کرد (تصویر شماره ۲) (افشار طوسی، ۱۳۹۱: ۵۶). در تصویر بزها نقاشی شده بر روی ظروف سفالی و نیز در برخی از سنگ نگاره ها، گاهی نقوشی مانند اشک، ماه یا چلیپا داخل دایره شاخ های بز نقاشی شده است، مانند جام شوش.



تصویر شماره ۲. نقش بزکوهی با ساختار طراحی متفاوت بر روی سفالهای مناطق مختلف ایران، موزه ایران باستان، نگارنده.

علاوه بر وجود نقش بز بر روی ظروف سفالی، نقش این حیوان بر روی ظرف استوانه ای شکل، ظروف مخروطی به شکل تنگ و بر روی جام های ساخته شده از سنگ های صابونی مربوط به قدیمی ترین تمدن بشری، تمدن جیرفت نیز به زیبایی ترسیم شده اند، تصویر شماره ۳ (صفاران و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۱). نمونه های بسیار زیبای دیگری از ارتباط انسان با این حیوان سمبولیک را در مجسمه های فلزی با شکل بز بر جای مانده از عصر مفرغ در لرستان (تصویر شماره ۴)، عصر هخامنشی (بز بالدار طلائی، ریتون یا

جام قدرت) و ظروف زیبای فلزی مربوط به عصر ساسانی و حتی در دوره های بعد مربوط به دوره اسلامی می توان مشاهده کرد که به زیبایی اهمیت و نقش بز را در زندگی انسان در دوره های مختلف نشان می دهند.

علاوه بر مطالب اشاره شده می توان به این مهم اشاره کرد که با توجه به مقاوم بودن بز در برابر عوامل جوی، مقاومت در مناطقی با پوشش گیاهی کم و مقاومت این حیوان در عبور از مناطق کوهستانی و سخت و نیز یکی از شکارهای بومی ایران (که تقریباً در اکثر نواحی وجود داشته و قادر به زندگی بوده است)، نقشی بسیار مهمی در امرار معاش زندگی انسان کوچ نشین بر عهده داشته است. همچنین شاخ بز در عصر باستان نمادی است از ماه، همچنان که در میان شاخ های بلند و دایره ای شکل این بز نماد ماه، زمین، آب، خورشید (نماد بز در داخل شاخ بز بر روی آبخوری بدست آمده از منطقه شوش متعلق به ۳۶۰۰-۴۰۰۰ ق.م) و چلیپای شکسته، به چشم خود. ماه از این جهت برای انسان باستان اهمیت دارد که بین ماه با آب، بارش باران و حیاط گیاهان و درختان در طبیعت تباط مستقیمی وجود داشته است. علاوه بر این شاخ بزرگ و منحنی بز نمادی است از الوهیت، پیروزی، قدرت، دست یابی به نیروی طبیعی، فراوانی گله، باروری، حاصلخیزی و زاد و ولد (همان: ۵۸-۵۷). با توجه به مطالب ارائه شده به درستی جایگاه و اهمیت این حیوان در زندگی بشر مشخص شده است و به همین دلیل است که نقش بزکوهی، بیشترین نقش حک شده در سنگ نگاره های مناطق مختلف ایران را به خود اختصاص داده است و این خود به روشنی اهمیت بالای این حیوان را در زندگی انسان آن عصر بیان کند. بزهای مصور شده به صورت سنگ نگاره، عموماً در حال نزاع، در حال شکار، در حال قرار، و گاهی انسان و با شاخ هایی گاه کوتاه و تا انتهای بدن بز نمی رسد و گاهی با شاخ هایی بلند و کشیده بر روی پشت حیوان و نیز بصورت نمادین با شاخ های کاملاً دایره ای شکل و سخت شده که تا انتهای بدن حیوان می رسد، مصور شده اند. بیشتر بزها با بدنی در حالت نزاع اما با شاخ های دوتایی و در مواردی شاخ تکی در حال جست و خیز و چرا با تکنیک "کنده نگاره"، حکاکی شده اند.

نکته قابل توجه در ارتباط با نقش بزهای موجود بر روی ظرف سفال و یا ظروف و مجسمه های مختلفی که به شکل بز ساخته و طراحی شده اند در مقایسه با بزهای حکاکی کنده بر روی سنگ نگاره ها علاوه بر تکنیک متفاوت در اجرای این نقش، ساختار طراحی کمی رئالیستی تر و واقع گرایانه تر طراحی بزها است؛ که سختی جنس سنگ و موقعیت قرار گیری صخره ها در مکان های خاص، یکی از دلایل طراحی های انتزاعی تر در سنگ نگاره ها است.



تصویر شماره ۴. مجسمه بز، مفرغ های تاریخی لرستان
(<https://www.beytoote.com/art/>).



تصویر شماره ۳. نقش بز و قوچ بر روی جام، سنگ صابون، تمدن جیرفت، موزه جیرفت (صفاران و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۱).

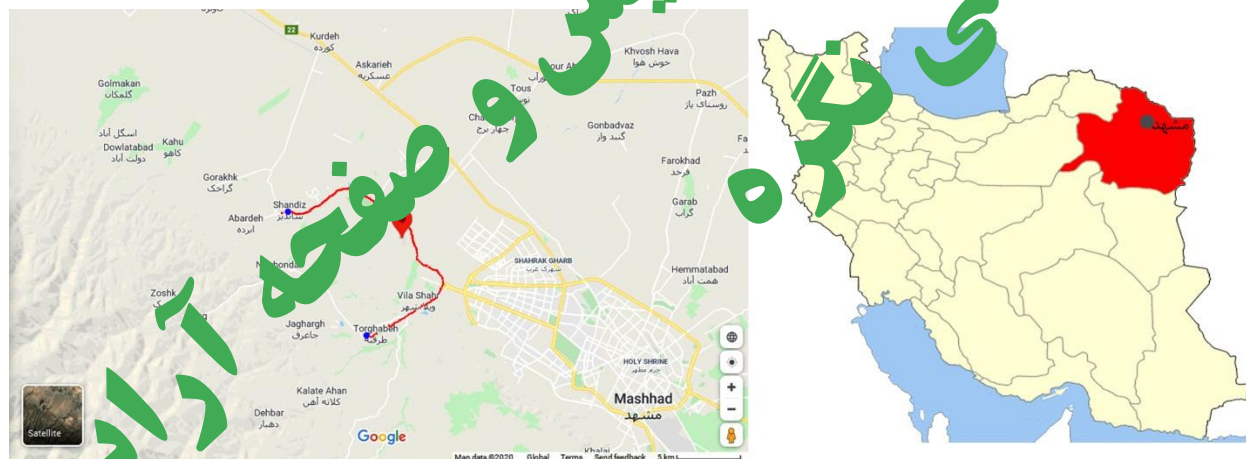
- موقعیت جغرافیایی سنگ نگاره های "شتر سنگ" (درخت بید)

منطقه خراسان بزرگ و قسمت های مختلف دشت توس به جهت وسعت گسترده جغرافیایی دارای سنگ نگاره های متفاوتی در مناطق مختلفی است که نشانی است از دارا بودن شرایط اقلیمی و جغرافیایی مناسب برای دامداری و زندگی کوچ نشینی انسان در گذشته های بسیار دور. اغلب این سنگ نگاره ها در مسیرهای کوهستانی و مسیر رودخانه های فصلی و منابع آبی دیگری مانند چشمه ها که نقش بسیار حیاتی در زندگی انسان آن دوران داشته است، ترسیم شده است. وجود اقلیم مناسب و نزدیکی به

سرچشمه های آب و سایر عوامل محیطی که نشان از مناسب بودن محوطه "شتر سنگ" و مناطق اطراف سنگ‌نگاره‌ها برای زیستگاه بشر دارد، میتواند دلیلی تعیین کننده و مهم در توجیه جایگاه فرهنگی و تاریخی سنگ‌نگاره های منطقه مورد پژوهش، داشته باشد. دشت حاصل خیز توس، که بین دو رشته کوه بینالود و هزار مسجد واقع شده است به واسطه داشتن شرایط زیست محیطی مناسب در طول سالیان متمادی باعث جذب اقوام مختلف به سوی خود شده است و از دیرباز، بستر مناسبی را برای زیستگاه انسانی و نیز تداوم حیات انسان فراهم آورده است. دست‌افزارهای سنگی کشف شده در میانه دشت و کناره‌های کشف‌رود متعلق به دوران پارینه سنگی زیرین و غارهای باستانی، تعدد زیستگاه‌های متراکم مربوط به عصر پیش از تاریخ، دوران تاریخی، عصر اسلامی و عصر حاضر گواهی است بر اهمیت وجود این منطقه به عنوان زیست گاهی مناسب برای زندگی بشر در روزگاران کهن (صالح نژاد، ۱۳۸۰).

در هشت کیلومتری شمال غرب مشهد (تصویر شماره ۵)، در ۸۰۰ متری مسیر جاده مشهد- شاندیز، نزدیک به روستای "درخت بید" موزه تاریخ طبیعی وجود دارد که حاوی سنگ‌نگاره های تاریخی متعددی است که به واسطه شکل سنگ های موجود در این منطقه که گویا شباهتی به کوهان شتر دارند بنام "شتر سنگ" نامیده شده است. در این منطقه غیر از لاشه سنگ اصلی و بزرگی آن به سمت شرق دارد (تصویر شماره ۷) و حجم بسیار زیادی از سنگ‌نگاره های محوطه را به صورت متراکم از دوران های مختلف تاریخی در خود جای داده است. سنگ های پراکنده دیگری در قسمت های جنوبی منطقه وجود دارند که حاوی نگاره هایی است که شباهت از بزکوهی با طراحی بسیار ساده خطوطی سیال با پراکندگی متنوع که به طور تخمینی شامل ۸۰ نقش انسان نما و جانور است. سنگ های این دوره وابسته به حیات آنها بوده است (بختیاری شهری، ۱۳۸۸: ۲۵).

تصویر شماره ۵. موقعیت مکانی منطقه شتر سنگ بر روی نقشه مشهد، رنگ آبی: مناطق طرقله و شاندیز، خط چین قرمز: مسیر جاده طرقله به شاندیز، مانده بید.



ویژگی های نقوش "شتر سنگ" (درخت بید)

بر اساس مطالعاتی که تاکنون بر روی نقوش صخره ای برخی از مناطق مختلف ایران انجام شده است، پژوهشگران بیان کرده اند که اغلب نقوش ایجاد شده بر سطح بدنه سنگ ها و صخره های مناطق باستانی با تکنیک ضربات چکشی به شیوه پیتروگلیف حک شده اند. گاه برای ایجاد این نقوش از ابزارهای سنگی و دست کند و در دوران های بعد شاید هم از ابزارهای فلزی استفاده شده است. با ضربه زدن توسط این ابزار سنگی و یا فلزی بسته به نوع و جنس سنگ موجود در منطقه، نقوشی به روش چکشی یاسایشی به صورت عمیق و یا سطحی بر سطح سنگ ها ایجاد شده است که ضخامت این خطوط و نقش ها بین ۰/۵ تا ۲ سانتی متر و گاهی نیز بیشتر است (قربانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۷). نقوش بر جای مانده بر تخته سنگ های منطقه "شتر سنگ" در ابعاد و اندازه های مختلف که اکثر آنها بر روی سنگ هایی گرد حک شده اند، شباهت بسیاری دارند به بوم های سنگ نگاره های منطقه هرمزگان، جمهوری آذربایجان، ارسباران تبریز و اردبیل (نصرتی، ۱۳۹۳). نقوش سنگ نگاره های "شترسنگ" مانند سایر سنگ

نگاره های مناطق دیگر نشان از گذر زمان و حکاکی نقوش در فواصل زمانی متفاوت دارند. همچنان که در تصاویر ارائه شده از منطقه مورد پژوهش مشاهده می شود، نقوش موجود در سطح سنگ ها به واسطه ساختار طراحی و حکاکی و نیز تغییرات رنگی ایجاد شده در سطح سنگ ها مانند هوازدگی، اکسید شدگی و یا تغییرات رنگی که بر اساس وجود آهن (تصویر ۸ و ۹) در بخشی از سنگ های منطقه بوجود آمده است، میتوان به طور نسبی، تقدم، تأخر، کهنه و یا جدید بودن آنها را تا حد زیادی تشخیص داد. برخی از نقوش بسیار قدیمی هستند و بر اثر تخریب های ایجاد شده توسط عوامل جوی، به سختی قابل مشاهده و خوانش تصویری است و برخی نقوش جدیدتر و حتی مربوط به سالهای اخیر است که این عمل توسط افراد غیر حرفه ای و غیر متعهد باعث تخریب ۹۱- فتن نقوش قدیمی تر شده است. در حقیقت بخشی از نقوش های موجود به علت قدمت تاریخی و نیز تکنیک خراش و حکاکی عوامل جوی، در قسمت هایی با سطح سنگ بستر خود، تقریباً هم رنگ شده است و نمی توان با عکاسی تصویری با دقت بسیار بالا از آنها ثبت کرد (تصویر ۹). این تفاوت رنگی نقش های حکاکی شده نشانی است از فاصله زمانی بین نقوش ایجاد شده در طول دوره های مختلف.



تصویر ۷. نمای بسته از سنگ نگاره اصلی "شتر سنگ" مشهد، (شهریور ۱۳۹۸). نگارنده.



تصویر شماره ۶. لاشه سنگ اصلی منطقه "شتر سنگ" در قسمت شرق محوطه که بیشترین نقوش سنگ نگاره های منطقه را در بر گرفته است، مشهد، (شهریور ۱۳۹۸)، نگارنده.

در ارتباط با تاریخ دقیق نقوش سنگ نگاره های منطقه "شتر سنگ"، می توان گفت که به درستی مانند سنگ نگاره های سایر نقاط دیگر ایران و جهان نمی توان تاریخ قطعی آنها را تخمین زد، بلکه بصورت تقریبی بر اساس شواهد موجود بررسی های دقیق باستانشناسی و قوم نگاری می توان تاریخ تقریبی این نقوش را بیان کرد. طبق نظر کارشناسان میراث فرهنگی، نقوش تاریخی این منطقه دارای تاریخی ۱۱ هزار ساله است که به جهت حکاکی شدن در جهت رو به جنوب و شرق و کمتر قرار گرفتن مسیر وزش باد و عوامل فرسایشی، کما بیش تا به امروز زنده مانده است (نصرتی، ۱۳۹۳). مورد بالا انسان متفکر و هنرمند عصر نوسنگی و بعد از آن با محاسبه، جهت یابی دقیق و مناسب به خوبی می دانسته است کدام سنگ ها با شیب مناسب، بهترین گزینه برای حکاکی و نیز قرار گرفتن در معرض دید مخاطبان است تا بتواند بهترین خوانش تصویری را به بیننده ارائه دهد. بیشترین حیوانی که در بین نقوش سنگ نگاره های منطقه مورد پژوهش مانند سایر مناطق ایران قابل مشاهده است نقش حیوان اهلی، بزکوهی است که طبق آنچه فرهادی (۱۳۷۷)، در مقاله خود بیان کرده است زمان اهلی شدن بزکوهی به حدود ۹۵۰۰ سال پیش از میلاد باز می گردد که بر طبق نقوش باقی مانده از این جانور در سنگ نگاره های مناطق مختلف می توان تاریخ تقریبی این سنگ نگاره ها را به آن دوران تخمین زد (۲۲۱). دومین نقشی که در بین نقوش سنگ نگاره های منطقه "شترسنگ" دارای بیشترین فراوانی است، نقش انسانی است، انسان کماندار در حال شکار، ایستاده، در حال جنگ و نزاع و انسانی سوار بر شیر.

نقوش موجود در سنگ های این منطقه وجود چراگاهی وسیع و فراوانی گونه های حیوانات حک شده بر روی آنها را در گذشته های دور به ذهن مخاطب یادآور می شود. زیرا پوشش گیاهی و موقعیت جغرافیایی این منطقه در حال حاضر نیز نشان از ویژگی های طبیعی و تنوع جانوری این منطقه در دوران های گذشته می دهد که بیانگر مناسب بودن این منطقه به عنوان مکانی پر رونق و شکارگاهی مناسب برای ساکنین این منطقه بوده است. اما بر اساس تغییرات اکولوژیکی و اقلیمی و خصوصا دخل و تصرف های انسان معاصر در طبیعت پیرامون خود، باعث شده است تا گونه های جانوری و گیاهی که گویا در دوران های مختلف تاریخی در این منطقه وجود داشته اند و زندگی بشر وابسته به آنها بوده است؛ بشدت دچار تغییر شوند.



تصویر ۹. تصویر بزکوهی با ابعاد بسیار بزرگتر با بدنی کشیده نسبت به سایر بزهای محوطه "شترسنگ"، با نمایش دو پا، رنگ سطوح تراشیده شده نشان از وجود آهن در سنگ های منطقه دارد، شهریور (۱۳۹۸)، ترسیم تصاویر خطی توسط پژوهشگر انجام شده است، نگاره.

تصویر ۸. تصویر بزکوهی در حال دویدن با طراحی و تکرار این تصویر نسبت به طراحی بزهای سنگ نگاره های محوطه "شترسنگ" با نمایش چهار پا (دوپا) و دو پا در قسمت عقب) در بالای سر گاومیش، مشهد، (شهریور ۱۳۹۸)، مشهد، نگارنده.

همانطور که در تصویر شماره هفت، مشاهد می شود بیشترین نقوش سنگ نگاره های این منطقه مورد پژوهش را نقوش جانورسان تشکیل داده اند و تا جایی که با چشم غیر مسلح می شود به ندرت می توان نقوش گیاهی و انتزاعی مشاهده کرد. در این میان تصاویر مختلفی چون بزکوهی، گاومیش، گوزن و حیواناتی از خانواده گربه سانان مانند یوزپلنگ، شیر و نیز نقوش انسانی هایی در حال شکار، جنگ و نزاع و یا سوار بر پشت حیوانات، شناسایی شده است که در جدول شماره ۲، نقوش موجود در محوطه مورد پژوهش بر اساس نوع و ماهیت سنگ نگاره ها دسته بندی شده است. همانطور که اشاره شد، نقش بز کوهی با شاخ های منحنی کوتاه و بلند به سمت عقب، بیشترین نقش را در بین نقوش این مجموعه به خود اختصاص داده است.

جدول شماره ۲. سنگ نگاره های منطقه شتر سنگ- مشهد، بر اساس نوع و ماهیت سنگ نگاره ها، با اقتباس از جدول ترسیم شده توسط اختیاری شهری (۱۳۸۸:۲۵).

نقوش گیاهی محداد کل نقشه ها (به طور تخمینی)	نقوش گیاهی	علائم نمادین		حیوانی (حیوانات شاخص)							انسانی				نوع و ماهیت سنگ نگاره	نام سنگ نگاره
		همراه نقش حیوانات (بز- کوهی)	مفرد	بوزپلنگ	گاومیش کوهاندار	گوزن	شیر	اسب	شیر	بز کوهی	در حال تیمار حیوانات	در حال جنگ و نزاع	در حال انجام مراسم خاص	در حال شکار		
۸۰	-	-	*	*	*	*	-	*	*	*	-	*	-	*	شتر سنگ	

در بین نقوش بر جای مانده از قسمت های جلویی لاشه سنگ اصلی و بزرگتر موجود در منطقه (تصویر شماره ۶ و ۷)، تعداد محدودی از تصاویر حیواناتی عظیم الجثه مانند شیر و یوزپلنگ مشاهده می شوند که انسانی بر پشت آنها ایستاده است و در صحنه ای دیگر انسان ایستاده با کمانی در دست و در حال شکار، مشاهده می شود. این به این معنی است که انسان عصر نوسنگی در آن دوران از حیواناتی مانند اسب، شیر و یوزپلنگ برای کمک به شکار حیوانات دیگر استفاده می کرده است. نکته قابل توجه دیگر این است که نقوش حیوانات در این سنگ‌نگاره ها دارای تنوع ریخت شناسی است، اما یکی از نکات مهم دیگر اشاره به این موضوع است که اغلب حیوانات حک شده مانند بسیاری از صخره نگاره های مناطق دیگر به صورت نیمرخ و با خطی افقی با بدنی کشیده به دور از هر گونه تزئین با خطوطی بسیار ساده و کم عمق حکاکی شده اند. در مورد نقش انبوه بزها در سایر سنگ های موجود در منطقه، باید اشاره کرد که نقش این حیوان در مقایسه با جانوران خانواده گربه سانان، دارای تحرک کمتری است. تصاویر بزها، اغلب در حالت نیمرخ با شاخ متفاوت شاخ از جهت شکل، اندازه و تعداد (دوتایی و یا تکی)، گاه با انحنای بزرگ که داخل آن نقشی دیده می شود (تصویر شماره ۱۰) و گاهی با شاخ هایی کوتاهتر و یا با انحنای کمتری قابل مشاهده است که معمولاً فرم شاخ آنها به نیم دایره نمی رسد (تصویر ۱۱).



تصویر ۱۱. تصویر بزکوهی با بدنی کشیده با دو شاخ کوتاه، زاویه سر و شاخ حالت سه رخ، محوطه "شترسنگ"، مشهد (شهریور ۱۳۹۸)، ترسیم تصاویر خطی توسط پژوهشگر انجام شده است، نگارنده.



تصویر ۱۰. در قسمت بالا و سمت راست تصویر نقش بزکوهی با شاخ کاملاً دایره که با خطی مورب دایره به دور آن تبدیل شده است، محوطه "شترسنگ"، مشهد (شهریور ۱۳۹۸)، ترسیم تصاویر خطی توسط پژوهشگر انجام شده است، نگارنده.

به احتمال قوی بر طبق شواهد موجود، افرادی که این نقوش را حکاکی کرده اند دارای شیوه زندگی با ساختار معیشتی بر اساس دامپروری و شرایط زندگی در محیط های کوهستانی، خصوصاً ساختار زندگی در مناطق مرتفع بود. زیرا اغلب نقوش صخره ای در مناطق مختلف ایران و جهان در قسمت های مرتفع که دارای پوشش گیاهی مناسبی برای چرا و دام پروری است، به تصویر کشیده شده اند. شاید بتوان این فرضیه را مطرح کرد که هر چه پوشش جانوری منطقه غنی تر و متنوع تر باشد، بدون شک بر شرایط زندگی، نوع تفکر، عقاید ساکنین منطقه و نوع اقلیم منطقه (همه این عوامل می تواند تأثیرات بسیار زیادی را بر چگونگی ترسیم و حکاکی نقوش نه تنها در ذهن انسان های امروزی، بلکه بر ذهن نیاکان و انسانهای پیش از تاریخ نیز داشته باشد)، تأثیرگذار بوده است (قربانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۹-۸۰). بر طبق ساختار طراحی و حکاکی نقوش صخره ای به راحتی می توان دریافت که تصویرگر سنگ‌نگاره های پیش از تاریخ، هنرمندی طبیعت نگار نبوده است و به تقلید از ساختار بیرونی و قابل مشاهده اشیاء و موجودات پیرامونش گرایشی نداشته است. او تنها برای انتقال مفاهیم خاص به هموعانش به نمایش چند ویژگی عمده و قابل اهمیت از حیوانات و گیاهانی که در محیط پیرامون زندگی اش وجود داشته اند و مشاهده می کرده است برای تداوم حیات انسان آن عصر، اکتفا کرده است. به عنوان مثال قدرت جسمانی شیر را تنها با تأکید بر ویژگی هایی چون ساختار پنجه‌های پر قدرت او، بدنی با کشیدگی خاص و نیرومند در حال حرکت، دم بلند با انتهای به شکل منحنی و دهانی باز به تصویر کشیده است. از این طریق، پدیده‌های واقعی بر حسب ذهنیت تصویرگر به نشانه‌های رمزی قابل خوانش برای انسان آن عصر که هنوز خط را نمی دانسته است تا زندگی او را متحول کند، تبدیل شده اند (آیتی زاده، ۱۳۹۳: ۸۳، پاکباز، ۱۳۷۵: ۱۵).

- شیوه اجرایی سنگ‌نگاره‌ها

به صراحت می‌توان گفت نقوش تمام سنگ‌نگاره‌های منطقه "شتر سنگ" به یکی از دو روش معمول ایجاد نقش بر سطح سنگ‌ها؛ شیوه طراحی تصویر به صورت خراش خط‌های پیرامونی طرح (تصویر ۱۲) و دیگری مانند بسیاری از سنگ‌نگاره‌های مناطق مختلف ایران با ایجاد ضربه‌های پی در پی و ممتد به شیوه کنده کاری روی سطح سنگ برای ایجاد نقوشی توپر و برداشتن تمامی سطح طرح مورد نظر که باعث برداشتن لایه نازکی از سطح سنگ شده است، ایجاد شده‌اند (تصویر ۱۳). عمقی بودن یا سطحی بودن نقوش مصور شده بسته به جنس سنگ‌های موجود در منطقه، متفاوت است.



تصویر ۱۲. تنها تصویر بزرگ‌سای قابل مشاهده در لاشه سنگ اصلی موجود در منطقه "شترسنگ" به صورت طراحی (خراش) با خط‌های محیطی اجرا شده است (شهریور ۱۳۹۸)، نگارنده.

تصویر ۱۳. ایجاد نقوش انسانی سوار بر پشت یوزپلنگ به شیوه کنده کاری به صورت ضربه‌های پی در پی برای ایجاد نقوش توپر، "محوطه شتر - سنگ" مشهد، (شهریور ۱۳۹۸)، نگارنده.

در مجموعه سنگ‌نگاره‌های سایت تاریخی "شتر سنگ" که دارای پرانسی نقوش بر روی سنگ‌های منطقه است، تصویر بزهای کوهی با تنوع متفاوتی از جهت طراحی نیز ظاهری، دارا بودن حرکت یا عدم حرکت بزها و نیز تنوع متفاوت در سایز بزهای ترسیم شده قابل مشاهده است. در چند مورد در میان نقوش بزهای حکاکی شده، بزها کوچکتری به همراه مادرشان ترسیم شده است که یا در کنار و پشت سر و در مواردی در مقابل بز مادر که دارای ابعاد بزرگتری است، قرار می‌شوند (تصویر ۱۴). در قسمت بالای سنگ نگاره اصلی موجود در منطقه، که حجم زیادی از نقوش جانورسان در آن ترسیم شده است، تنها یک بز نیم رخ متفاوت از سایر بزها، با دو پا و با شاخی کاملاً منحنی قابل مشاهده است که انحناي شاخ با پشت بدن بز یک دایره کامل را تشکیل داده است و این دایره با خطی مورب به دو نیم تقسیم شده است (قابل مشاهده در تصویر شماره ۱۰). این تنها نقش بز موجود در منطقه است که از جهت فرم شاخ و اندازه با سایر بزها متفاوت است و در بالاترین قسمت لاشه سنگ اصلی و در نمایی مقابل بیننده خودنمایی می‌کند.



تصویر شماره ۱۴، تمرکز بر نقش احتمالاً بز مادر به همراه فرزند، محوطه "شترسنگ" مشهد، (شهریور ۱۳۹۸)، ترسیم تصاویر خطی توسط پژوهشگر انجام شده است نگارنده.

در طراحی نقوش اغلب بزها مانند سایر نقوش موجود در سایت، اشاره به هیچ گونه جزئیات آناتومی جانور نشده است، تنها طراحی تعداد معدودی از بزها دارای آناتومی حرفه ای تر یا متمایل به حالت های رئالیستی است. در ارتباط با ساختار طراحی نقوش بزکوهی در سنگ نگاره های منطقه "شتر سنگ" می توان به این نکته اشاره کرد که نقوش، به شیوه خلاصه سازی و استلیزه ترسیم شده اند. با توجه به اینکه نقوش بزکوهی در این منطقه دوره های مختلف و نیز توسط افراد متفاوت حک شده اند، طراحی متفاوتی از نقش بز در منطقه بر روی سنگ ها قابل مشاهده است. برخی از بزها بصورت خطی و ساده بدین صورت که بدن جانور از یک خط افقی تقریباً صاف تشکیل شده است و برای حرکت پاها از خطوط مورب و گاه عمودی و در مواردی برای طراحی فرم شاخ ها نیز از خطوط مورب استفاده شده است. در اغلب موارد شاخ و دم بز با فرم منحنی ترسیم شده است. در طراحی برخی از بزها، نیم دایره منحنی با انحنای کم و کوتاه و برخی با نیم دایره بلندتر که به سمت داخل انحنا پیدا کرده است، ترسیم شده اند این روش طراحی از سوی مرسوم است که در اغلب سنگ نگاره های مناطق مختلف ایران قابل مشاهده است. نکته قابل توجه این است که اغلب بزها به صورت منحنی با نمایش دو پای جلو و عقب به صورت ثابت و با کمترین حرکت حک شده است. در این میان بزهایی با بدن کشیده با رنگی روشن نسبت به بزهایی با قدمت بیشتر که حاکی از زمان متفاوت ترسیم بزها است، با زاویه نیم رخ مشاهده است که بر خلاف اغلب بزها با سه و چهار پا ترسیم شده اند (مانند بز در تصویر شماره ۸ و ۱۱). این بزها دارای حرکت بسیار کمی هستند و بصورت ایستاده تصور شده اند. در این میان بزهایی با رنگی حاکی از زنگ زدگی که نشان از وجود آهن در سنگ های سایت مورد پژوهش است با بدنی منحنی در حال خیز برداشتن و یا جهیدن با چهار پا (دوپا در عقب بدن و دو پا در جلو بدن)، به شیوه افکانه تر ترسیم شده است. در برخی از طراحی ها، بزها را با توجه به اینکه از نیم رخ طراحی شده اند با یک شاخ و در اعراض خلاف زاویه نیم رخ بدن، شاخ بر به صورت جفت یا نمایی نزدیک به سه رخ ترسیم شده است. اغلب بزها بر خلاف آناتومی واقعی بزها بدنی کشیده تر ترسیم شده است. جدول شماره ۳، ویژگی های نقوش محوطه "شتر سنگ" به صورت خلاصه مشخص شده است.

جدول شماره ۳. ساختار طراحی، اجراء نقوش، سایر ویژگی های نقش بز در منطقه "شتر سنگ"، مشهد، خراسان رضوی، ماخذ: نگارنده.

تنوع نقوش		شیوه اجرا			ساختار طراحی			
نوع در	دارای	دارای	کنده کاری	کوبه ای با	پتخت	خام دستانه (عامیانه)	واقع گرایانه	خلاصه و
اندازه و فرم	شاخ	حرکت	با عمق نسبتاً بیشتر	عمق کم		عدم توجه به جزئیات		استلیزه
*	*	*	*	*	*	*	*	*

- میزان ماندگاری و کیفیت نقش های باقی مانده

جنس سنگ های موجود در منطقه، عوامل محیطی و جغرافیایی که باعث ایجاد تغییرات فرسایشی در سطح نقوش بر جای مانده است، وجود تصاویری با رنگ ها و نیز شیوه طراحی متفاوت و عمق نقوش حکاکی شده، وجود نقوش متفاوت در سنگ نگاره ها که بر طبق اسناد تاریخی می تواند نحوه ساختار زندگی انسان آن عصر را نشان دهد، از جمله عوامل مهمی هستند که می توانند پژوهشگران را به شناخت تاریخ دقیقتر تصاویر حک شده، هدایت کنند. همانطور که در تصاویر ارائه شده در این پژوهش مشاهده می شود، رنگ نقوش حکاکی شده و نیز عمق خراش ها حتی در مواردی که برخی نقوش در دوره های زمانی متفاوتی بر روی سطح تخته سنگ های مورد نظر ایجاد شده اند نشان از تاثیر گذشت زمان بر کیفیت و چگونگی تصاویر بر جای مانده دارند. در برخی از سنگ نگاره ها به علت گذشت زمان و تاثیرات عوامل فرسایشی و نیز به علت عمق بسیار کم خراش های ایجاد شده، نقوش بسیار سخت دارای خوانش است و تنها با خیس کردن سطح سنگ، یا قرار گرفتن در زاویه دید خاص و یا تابش نور در زاویه ای ویژه قابل مشاهده است. علاوه بر موارد اشاره شده، به علت محدود بودن سطح تخته سنگی که تصاویر بر روی آنها حکاکی شده اند و مصور شدن نقوش متفاوت در طول دوره های مختلف، انباشتگی از نقوش مختلف مانند تصاویر بزهایی با ساختار طراحی متفاوت، ایجاد شده است؛ که این قرارگیری نقوش بر روی یکدیگر و یا نزدیک شدن زیاد نقوش به یکدیگر باعث شده است که موضوع اصلی مورد تمرکز هنرمند به درستی قابل خوانش نباشد (تصویر شماره ۶) (بختیاری شهری، ۱۳۸۸: ۲۹). جدول شماره ۴، شباهت ها و تفاوت های اجرای نقش بز و سایر ویژگی های این جانور را در منطقه "شتر سنگ" با نقش بز در برخی از نقاط ایران ارائه شده است.

بررسی و مطالعه سنگ‌نگاره های یافت شده در منطقه "شتر سنگ" با تمرکز بر نقش بزکوهی در مقایسه با نمونه های قابل مشاهده در برخی از مناطق مختلف ایران، نشان از یکسان بودن مفاهیم و موضوعات مصور شده در این سنگ‌نگاره‌ها، دارد. با بررسی و مطالعه ریخت شناسی نقوش اشاره شده می‌توان به برخی از مفاهیم انسانشناختی و جامعه شناختی مبتنی بر زندگی با ساختار کوچ نشینی و دامداری انسان عصر نوسنگی، بر اساس مستندات موجود اشاره کرد. ساختار طراحی تقریباً یکسان نقوش سنگ‌نگاره ها، پراکندگی نگاره‌ها با ساختاری یکسان در مناطق مختلف ایران، زبان مشترک صخره نگاره ها و یا سنگ‌نگاره ها بیانگر نیازها، اندیشه ها و اعتقادات فرهنگی زندگی مردمان آن دوران است. در ترسیم نقوشی مانند نقش بزکوهی که با توجه به جایگاه و اهمیت نقش این حیوان در زندگی و باورهای بشر، دارای بیشترین فراوانی در بین سایر نقوش به تصویر کشیده شده در سنگ نگاره های مختلف است، هنرمندان نگارگر از خطوی ساده، آزاد و رها، به شیوه ای ابتدایی، سمبولیک و انتزاعی، غالباً با تکنیک پتروگلیف استفاده کرده اند. نقش بز، برای انسان آن روزگار مانند آنچه در فرهنگ های مختلف دنیا مشاهده می شود، نماد باروری، زندگی، آب، فراوانی انسان از وابستگی حیات و تداوم زندگی انسان آن روزگاران به شکار این حیوان و زندگی مبتنی بر دامپروری است.

جدول شماره ۴. شباهت ها و تفاوت های این اجزای نقش بز کوهی و سایر ویژگی های آن در منطقه شتر سنگ، مشهد، خراسان رضوی با نقش بزکوهی در برخی از نقاط ایران، نگارنده.

مجله علمی نگاره
مجله علمی نگاره و پژوهش و صفحه آرایی

مقاله تطبیقی نقوش بز در سنگ‌نگاره های منطقه شتر سنگ، مشهد، خراسان رضوی با برخی نقاط ایران.				
ساختار طراحی	محوطه (سایت)	شهر - استان	شیوه اجرا - نوع نقش	قدمت
<p>با توجه به بحث شناسی نگاره ها و اسناد و مدارک موجود ارتباط با نقش بز تقریباً در تمامی مراکز فرهنگی ایران پیش از تاریخ ایران، می توان به این نکته اشاره کرد که نقش بزکوهی در محوطه "شتر سنگ" نیز تعلق به صورت استیلیزه و خلاصه شده، طراحی شده است. همچنین، بزهای حک شده در محوطه "شتر سنگ" مانند اغلب سایر نقاط ایران؛ به صورت نیمرخ شاخ و یا دو شاخ، طراحی شده اند. بزهای دیگر اغلب با دو پا طراحی شده اند. در مواردی نیز نیمی هایی با سه و چهار پا نیز طراحی شده است. بین بزهای مناطق مختلف ایران، به جهت روش شناسی یا فرم و نیز محتوی و معنا شباهت های یکسانی وجود دارد.</p>	شترسنگ	مشهد- خراسان رضوی	پتروگلیف (نقش کنده)	پارینه سنگی
	لاخ مزار	بیرجند- خراسان جنوبی	پتروگلیف (نقش کنده)	<p>می توان زمان و گاه نگاری نسبی و تقریبی حکاکی و ترسیم سنگ نگاره ها در منطق مختلف این را از عصر پارینه سنگی تا عصر برنز نسبت داد.</p>
	جربت	جاجرم- خراسان شمالی	پتروگلیف (نقش کنده)	
	مارکفتو	کردستان	پتروگلیف (نقش کنده)	
	پندر ریخی	اصفهان و مرکزی	پتروگلیف (نقش کنده)	
	سیرجان و شهباز کرمان بابک	کرمان	پتروگلیف (نقش کنده)	
	اشکفت آهویی شهر بستک	مزگان	پتروگلیف (نقش کنده)	
	(قلعه ارجق)- سیری	مشکین پهر- اردبیل	پتروگلیف (نقش کنده)	
	میرملاس، همیان و غار دوشه	لرستان	پیتروگراف (نقاشی) پتروگلیف (نقش کنده)	
	گزو	خاش- سیستان و بلوچستان	پیتروگراف (نقاشی) پتروگلیف (نقش کنده)	
دره نگاران	دهستان ناهوک، سراوان- سیستان و بلوچستان	پیتروگراف (نقاشی) پتروگلیف (نقش کنده)		
اشکف آهویی و ده تل بستک	هرمزگان	پیتروگراف (نقاشی) پتروگلیف (نقش کنده)		

نتیجه

در نقوش بر جای مانده از منطقه "شتر سنگ" بر خلاف سایر مناطق ایران که حاوی نقوش گیاهی، نقش سایر جانوران مانند خار پشت، خرگوش، گوره خر و نیز نقوش انتزاعی و سمبولیک و نقوش فنجانی است، بیشتر نقوش حک شده بر سطح تخته سنگ ها متمرکز شده است بر نقش بزکوهی؛ نقوش انسانی در بین سایر نقوش حیوانی موجود در منطقه در درجه دوم اهمیت قرار دارند. سنگ‌نگاره های منطقه "شتر سنگ" مانند نقوش سایر سنگ‌نگاره های اغلب محوطه های ایران، با خطوطی بسیار ساده و خلاصه شده، بدون هیچ گونه تزئینات به صورت دو بعدی و به شیوه "کنده نگاره" با خطوطی با عمق کم ترسیم و حک شده است. همچنین، بزها حک شده در محوطه مورد پژوهش مانند اغلب نقاط ایران، در حالت نیمرخ در اشکال مختلف و با شاخ های منحنی برگشته به گاه با نیم دایره ای بلند و گاه کوتاه که معمولاً به شکل نیم دایره نمی‌رسد، با دو پا طراحی شده اند. در مواردی نیز بزهایی سه و چهار پا نیز ترسیم شده است. بزکوهی در سطح هیچ یک از سنگ های پراکنده در محوطه با زاویه روبرو طراحی نشده اند و بزها در حالت حرکت، بازی و نزاع با تحرک کمتری طراحی شده اند. بین بزهای مناطق مختلف ایران، به جهت ریخت شناسی یا فرم و نیز ساختار و معنا شباهت های یکسانی وجود دارد. انسان های هنرمندی که این نقوش را حک کرده اند با احاطه حرفه ای نبوده اند آنها بین نقوش را برای نشان دادن تنوع و ساختار زندگی انسان و جانوران عصر نوسنگی که عموماً در مناطق مرتفع و کوهستانی و پر آب ساخته شده اند و شاید هم برای مشخص کردن قلمروی چوپانی خود ترسیم کرده اند. در ارتباط با تنوع نقوش حیوانی موجود در منطقه "شترسنگ"، می توان گفت که تنوع پوشش جانوری موجود در منطقه بدون شک بر نوع و ساختار زندگی و شرایط زندگی و عقاید مردم آن و حتی بر نحوه نگرش مردمان دوران پیش از تاریخ نسبت به زندگی، تاثیرگذار بوده است. طبق آنچه در تصاویر جدول شماره ۱، قابل مشاهده است ساختار و شیوه طراحی خطی، تکنیک حکاکی شده، عمق نقوش حک شده، زاویه قرار گیری بزها، ابعاد اندازه در اغلب مناطق ایران دارای تنوع شکلی یکنواخت و یکسانی است. این خود دلیلی است بر ساختار ذهنی مشابه انسان ها در دوره های زمانی هم عصر، باورها و نیازهای یکسان مردمانی که در آن دوران با نیازهای اجتماعی و فرهنگی تقریباً یکسانی، زندگی می کردند. البته در برخی از مناطق ایران مانند مناطق دره نگاران، اشکفت آهویی و ده تل بستک، میر ملاس، همیان و غار دوسه، علاوه بر نقوش به شیوه پترگلیف، نقوشی به شیوه پیتروگراف نیز ترسیم شده است.

جز در موارد اندکی ساختار طراحی متفاوت تری بین نقوش سنگ نگاره های مناطق مختلف ایران مانند سنگ نگاره های دره گوران در منطقه ناهوک سراوان وجود دارد. در این منطقه بر خلاف اغلب مناطق دیگر ایران نقوش سنگی از جمله بزکوهی، دارای بدنی پهن و با طول بدن کوتاه تر فاقد کشیدگی و در مواردی بزهایی با بدنی پروانه ای شکل (متشکل از دو مثلث) با شاخ هایی بسیار بلند با شیب کم و یا با گردن بلند مشاهده می شود. در برخی از قسمت های این منطقه بزهایی ترسیم شده است بدون تحرک و ایستا با بدنی نیم رخ و سر و شاخ هایی از زاویه روبرو که طراحی مشابه چنین بزی در برخی از مناطق ایران مانند داغستان در خراسان رضوی مشاهده می شود. ولی بز با سر از زاویه روبرو و بدن نیمرخ در بین نقوش بزهای منطقه شتر سنگ قابل مشاهده نیست. باستانشناسان با گاه نگاری نسبی و تقریبی حکاکی و ترسیم سنگ نگاره ها در منطقه "شترسنگ" را مربوطه به عصر پارینه سنگی نسبت داده اند. در حالت کلی می توان به این نکته اشاره کرد که تاریخ نسبی قدمت سنگ‌نگاره ها در سایر مناطق مختلف ایران را می توان به عصر پارینه سنگی تا عصر معاصر نسبت داد.

قدرانی و تشکر: با سپاس فراوان از جناب آقای رامین نجفی، صخره نورد استان خراسان رضوی و آقای محمد واخیده که در مسیریابی منطقه و شناسایی سنگ نگاره ها کمک شایسته ای به پژوهشگر داشته اند.

منابع و مآخذ

- آقا عباسی، زهرا. (۱۳۸۹). نقش مایه های نو یافته حوزه هلیل رود، انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان، چاپ اول.
- آیتی زاده، آنیسا. (۱۳۹۳). بررسی سنگ نگاره های باستانی اسبقته یزد، *مجله علمی ترویجی جلوه هنر*، شماره ۳۹، ۷۹-۹۲.
- افضل طوسی، عفت السادات. (۱۳۹۱). گلیم حافظ نگاره بزکوهی از دوران باستان، *فصلنامه علمی پژوهشی نگره*، (۷(۲۱)، ۵۴-۶۷.
- بختیاری شهری، محمود. (۱۳۸۸). بررسی و مطالعه سنگ نگاره های نویافته دشت توس، *مطالعات باستانشناسی*، شماره ۱، ۲۱-۴۴.
- بزی، کلثوم؛ - غلامعلی. (۱۳۹۲). اسطوره کاوی نقوش سنگ نگاره های ناهوک سراوان و بررسی حضور آنها در زندگی انسان امروز منطقه، *فصلنامه علمی و پژوهشی هنرهای تجسمی نقش مایه*، (۱۷(۷-۱۵).
- بلباسی، احمد (دوم دیهشت ۱۳۹۸). سنگ نگاره های ماقبل تاریخ، دره نگاران - سراوان، تاریخ دسترسی ۲۲ فروردین ۱۳۹۹، <https://www.iribnews.ir/fa/news/2415059>
- بیک محمدی، خلیل الله؛ جانجان حسن؛ بیک محمدی، نسرين. (۱۳۹۱). معرفی و تحلیل نقوش سنگ نگاره های نویافته مجموعه B ارگس سفلی (ملایر - همدان)، *نامه باستانشناسی*، (۲(۲)، ۱۲۱-۱۴۰.
- پاکباز، رویا. (۱۳۷۹). نقاشی ایران از باز تا امروز، زرین و سیمین، تهران.
- رشیدی، نرگس سعید؛ زمانیان، مهدی. (۱۳۸۸). بررسی سنگ نگاره های نویافته مزرعه حاج مد و دره مراد بیک همدان، *پیام باستان شناسی*، (۱۱(۶)، ۸۹-۱۰۰.
- رضایی، جمال؛ کیا، حسن. (۱۳۳۰). گزارش نوشته ها و بکرهای کال جنگال، انجمن ایرانویج، تهران.
- صالح نژاد، زهرا. (۱۳۹۵). *مقبولا؛ اولین پارک سنگ نگاره در ایران در طرقله*، تاریخ مراجعه: ۱۳۹۸/۳/۲۸، قابل دسترس در www.kojaro.com.
- صفاران، الیاس؛ کامرانی نژاد سیرجانی مریم. (۱۳۹۷). تقابل (نقش بر روی) بر روی تپه فیروز شاه سیرجان با ظروف سنگ صابونی تمدن چیرفت، *دو ماهنامه علمی تخصصی پژوهش در هنر و علم انسانی*، (۴(۱۲)، ۱۳-۲۴.
- فرهادی، مرتضی. (۱۳۷۷). موزه هایی در باره معرفی مجموعه عظیم سنگ نگاره های "یافته-تیمره"، *فصلنامه علمی پژوهشی علوم اجتماعی/دانشگاه علامه طباطبایی*، شماره هفتم و هشتم، ۱۳-۶۱.
- قربانی، حمیدرضا. (۱۳۹۲). "گزارش بررسی و مطالعه باستان شناسی و انسان شناسی نقوش حجاری (سنگ نگاره های استان خراسان جنوبی)"، *آرشیو سازما میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان خراسان جنوبی*، منتشر نشده.
- قربانی، حمیدرضا؛ صادقی، سارا. (۱۳۹۵). *سنگ نگاره های شرق مرکزی ایران؛ سندها، صخره نوشته ها و مادشناسی سنگ نگاره های استان خراسان جنوبی*، نشر چهار درخت، بیرجند.
- قربانی، حمیدرضا؛ صادقی، سارا؛ هاشمی زرج آباد، حسن. (۱۳۹۴). تحلیل نقوش سنگ نگاره های محدوده تاریخی خراسان بزرگ در استان خراسان جنوبی، *فصلنامه علمی پژوهشی خراسان بزرگ*، (۲۱(۶)، ۵۷-۸۲.
- قسیمی، طاهر؛ محمدی قصریان، سیروان. (۱۳۹۰). *نقوش صخره ای ایران، مجموعه مقالات ۸۰ سال باستانشناسی ایران (جلد دوم)*، به کوشش یوسف حسن زاده و سیما میری، تهران، سازمان میراث فرهنگی و صنایع گردشگری، موزه ملی ایران.
- مردانی ولندانی، آیکین. (۱۳۹۲). *بررسی سبک شناسی سنگ نگاره های جربت در خراسان شمالی*، همایش ملی باستانشناسی ایران، دستاوردها، فرصت ها و آسیب ها، دانشکده هنر دانشگاه بیرجند، صص ۸۲-۵۷.
- ملاصالحی، حکمت اله؛ سعیدپور، محمد؛ مؤمنی، آتوسا؛ بهرام زاده، محمد. (۱۳۸۶). *باستان شناسی صخره نگاره های جنوب کوهستان استان قزوین*، *مجله باستان پژوهی*، (۳(۳)، ۳۵-۴۹.
- ناصری فرد، محمد. (۱۳۸۸). *سنگ نگاره های ایران نمادهای اندیشه نگار*، ناصری فرد، خمین.

نصرتی، محمد. (۱۳۹۳). شتر سنگ" یادگاری از اعماق تاریخ خراسان/ سنگ نگاره ای که نقوش اسرار آمیز دارد"، خبرگزاری مهر، تاریخ مراجعه: ۱۳۸۹/۸/۱۵، قابل دسترس در: <https://www.mehrnews.com>
<https://www.beytoote.com/art/>.

An Analytic-contrastive Study on Goat Motifs in Petroglyphs in "Shotorsang" area of Khorasan Razavi and Similar Motifs in Other Regions in Iranian Plateau

Abstract

In Iran petroglyphs are widely dispersed and have superficial and conceptual similarities with other cases found throughout the world. The rock motifs of "Shotorsang" region are one of thousands of petroglyphs found in greater Khorasan and indicate the herdsman and hunting-based lifestyle of human during the Neolithic. The motifs remaining on these rocks as other rock motifs include animal and human shapes, the most frequent of which is the wild goat. Unlike dispersion of various rock motifs in other regions of Iran, plant, symbolic, and abstract motifs are rarely seen in Shotorsang. The role of Goat as one of the most important animals in continuity of human life indicates the significance of this animal which is abundantly found in petroglyphs of Shotorsang. According to historical documents and evidences wild goat is one of the oldest known symbols in human history, which is observed in ancient Iran since Neolithic period in different forms such as sculptures remaining from Neolithic shelters (Sarab Gah, Darreh ...), paintings on pottery (pottery works excavated from Shahr, Shush, Esmailabad ...) as engravings on utensils or rocks, and so on. Goat is the symbol of water, moon, prosperity, affluence, fertility, and is also the symbol of life. Once upon a time this animal had been worshipped as the embodiment of human fertility and considered identical with Sumerian fertility god, Tammuz. In Hinduism mythology, the goat was considered as a sacrificial animal the god of fire. In Greek myths, goat has been a sacred animal for Zeus/Jupiter. In Christianity, the goat represents the Curse in the Last Judgement (resurrection). The objective of the study is to introduce and identify the petroglyphs in Shotorsang region and to explore distinct similarities and differences between motifs of this region and various motifs in other regions in Iran, a task that is not still seriously accomplished by researchers. This research aims at answering these questions: 1. what are the properties of wild goat motifs in "Shotorsang" petroglyphs? 2. What are the prominent differences and similarities in design structure, performance, and goat motif variation between studied area of this research and other motifs in petroglyphs in Iran? The present research is Analytic descriptive research method. The data collection is done through library and field study. During field study, after identifying "Shotorsang" area in the last week of August 2019, as a survey, regarding the dispersion of the motifs on the rocks of identified area, the researcher took many photographs from these motifs as series or as single shots. Approximately, around 80 petroglyphs are found in "Shotorsang" area. The statistical society of the present study is composed of goat motifs in studied area and the dispersion of this motif in other regions in Iran, including Asbaghteh in Yazd, Jorbat petroglyphs in Khorasan Razavi, Darreh Negrin in Saravan, Tappeh Shah Firoozjan in Kerman province, petroglyphs in Khorasan Jonobi, Asu petroglyphs and also motifs in Erges Sofla in Zand district of malayer. Regarding the morphology of petroglyphs, documents and evidences existing in relation to the motif of goat, nearly in all Iranian prehistoric cultural centers, it could be mentioned that wild goat motifs in "Shotorsang" area

are often drawn in a stylized form with no decorative element using horizontal lines for top body and a few oblique lines for legs. As well, the goats in studied area, similar to motifs of petroglyphs in other regions in Iran are drawn in side view with one or two horns with short or very tall curves, which does not fit analogous to the animal body. Side view goats are often drawn with two legs, but in some cases goats with three or four legs are recognized. Morphologically and conceptually, there are high degrees of similarities among goat motifs in different regions of Iran and majority of them are carved using petroglyph style. Archeologists, using relative chronology, approximate carving and formation of petroglyphs of "Shotorsang" to Paleolithic period.

Keywords: Shotorsang, Petroglyph, Animal motif, Goat motif, Khorasan, Iranian Plateau

References

- Afzaltousi, E. (2012). Rug the preserver of wild goat figure since the ancient times, *Nagareh Journal*, 7(21), 55-67.
- Agha Abbasi, Z. (2010). *New-found Motifs in Halilrood Basin Area*, Shahid Bahonar University Press, Kerman.
- Ayatizadeh, A. (2015). Studying petroglyphs of Ashaqa of Yazd, *Glory of Art*, 6(2), 1-5.
- Bakhtiari Shahri, M. (2009). Survey and study of newly found epigraphs from Tood plain, *Journal of archeological studies*, 1(1), 21-44.
- Beikmohammadi, K. , Janjan, M. & Beikmohammadi, N. (2012). Introduction and Analysis of New Found Petrography Motif of B Set of Sofla Area (Malayer-Hamedan) *Journal of Faculty of Art and Architecture, Department of Archeology*, 2(2), 121-140.
- Belbasi, A. (2009). *Prehistorical Petroglyphs: Nagaran Valley- Saravan*, Access Date: April 10, 2020, www.iribnews.ir/fa/news/241505
- Bezi, K. & Hatam, G. (2013). Myth mining from petroglyphs in Nahook of Saravan and exploring their presence in human life through *Naghshmayeh Journal*, 7(17), 7-15.
- Farhadi, Morteza (1998). Museums in Wind: Introducing the Vast New-Found Rock Engravings of Teimareh, *Social Sciences*, No. 7, 8, 13-61.
- Ghasimi, T. & Mohammadi Ghasrian, S. (2011). *Iranian Rock Art, A research Collection of 80years of Archeology in Iran*, (Vol. 2), Through the Efforts of Yousef Hassanzadeh and Sima Miri, Tehran, Cultural Heritage and Tourism Organization, Iranian National Museum.
- Ghorbani, H. & Sadeghi, S. (2017). *Petroglyphs in Mid-east Iran: Documents, Inscriptions, and Semiology of Petroglyphs of South Khorasan Province*, Chahar Derakht, Birjand.
- Ghorbani, H. (2013). *A Report on Archeological and Anthropological Studies about Rock Motifs: South Khorasan Petroglyphs*, Archive of Cultural Heritage, Handcrafts and Tourism Organization of South Khorasan province, Unpublished.
- Ghorbani, H. , Sadeghi, S. & Hashemi Zarjabad, H. (2015). An Analysis of Motifs in Rock-Carvings of the Greater Khorasan in South Khorasan Province, *Journal of Greater Khorasan*, 6(21), 57-82.
- Mardani Valandani, A. (2013). *An Exploration on the Stylistics of Jorbat Petroglyphs in North Khorasan*, National Conference of Iranian Archeology, Achievements, Opportunities and Injuries, Art Faculty, University of Birjand, 57-82.
- Mola salehi, H. ; Saeedpor, M. ; Momeni, A. & Bahramzadeh, M. (2007). Archeology of Petroglyph in the South of Ghazvin Province, *Jornal of Bastan Pazhuhi*, 2 (2), 49-35.
- Naseri Fard, M. (2009). *Petroglyphs of Iran: Idiographic Signs*, Naseri Fard, Khomein.
- Nosrati, M. (2014). Shotorsang: A Remembrance from the Depth of Khorasan's History/ A Petroglyph with Mysterious Motifs, *Mehr News agency*, Access Date: Dec 6, 2019, <https://mehrnews.com>.

- Pakbaz, R. (2019). *Iranian Miniature Since Old Times*, Zarrin and Simin, Tehran.
- Rashidi Nezhad, M. & Zamanian, M. (2009). Survey and Study of Newly Found Petroglyphs of Haj Mad Farm and Morad Beik Valley in Hamedan, *Payam-e Bastanshenas*, 6(11), 89-96.
- Rezaei, J. & Kia, S. (1951). *A Report on Inscriptions and Figures of Kal-e Jangal*, Iranvij Society, Tehran.
- Sadeghi, S., Ghorbani, H. R. & Hashemi Zarjabad, H. (2013). Motifs Investigation of Birjand Khazan Petroglyph from SouthKhorasan/IRAN, *Bi- Annual Journal of Restoration Science and Culture Heritage*, 6(21), 82-57.
- Saffarian, E. & Kamraninejad Sirjani, M. (2018). The Contrast of Wild Goat and Tree Motifs Between Firooz Shah Hill in Sirjan and Soapstone Dishes of Jiroft Civilization, *Scientific Journal of and Humanity Research*, 4 (12), 13-24.
- Salehnejad, Zahra (2016). Kamar Maghboula: The First Site of Iranian petroglyphs in Torshabeh, Access Date: Jun 18, 2019, Available in: <https://www.kojaro.com>.
<https://www.beytoote.com/art/>

فصل بدون ویدایش و صفحه آرایی
نشریه علمی نگاره